



آیا در افزایش سرمایه‌ها شرکت کنیم؟

از منظر کلی، تصمیم به افزایش سرمایه، اقدامی مثبت در راستای تامین منافع آتی سهامداران است زیرا منابع مالی جدید غالباً در راستای یک طرح توجیهی خاص جهت رشد تولید و سودآوری شرکت مصرف می‌شود. این اقدام از آنجا که افق رشد سودآوری را برای شرکت تصویر می‌کند، معمولاً استقبال سرمایه‌گذاران و رشد P/E سهم را در پی دارد. با این حال، در مواجهه با افزایش سرمایه‌ها چند نکته باید مدنظر سهامداران قرار گیرد؛

اینکه برخی شرکت‌ها به واسطه عدم توانایی در پرداخت سود نقدی و ترکیب نامناسب دارایی‌ها و بدهی‌ها (ساختار ترازنامه) به اجرای افزایش سرمایه روی می‌آورند که تنها باعث رقیق شدن قیمت سهم بدون ایجاد هرگونه ارزش افزوده می‌گردد که طبیعتاً مطلوب سهامداران نیست. همچنین، برخی شرکت‌ها با توجیه ناکافی اقدام به اجرای افزایش سرمایه می‌کنند که منجر به ایجاد ارزش افزوده مورد انتظار برای سهامداران نمی‌شود؛ از این رو مطالعه دقیق جزئیات مستندات افزایش سرمایه شرکت‌ها (که چندی قبل از برگزاری مجمع فوق‌العاده در سایت کدال به طور تفصیلی منتشر می‌شود) مورد توصیه است.

از سوی دیگر، اجرای افزایش سرمایه قاعدتاً مستلزم رشد P/E سهم است. به عنوان مثال سهمی با قیمت ۵۰۰ تومان را در نظر بگیرید که سود پس از کسر مالیات هر سهم را ۱۰۰ تومان به بازار اعلام کرده است. (P/E=۵) پس از اجرای افزایش سرمایه ۱۰۰ درصدی از آنجا که این اقدام تاثیر فوری در رشد سودآوری شرکت ندارد، از لحاظ تئوریک سود خالص خود را ۵۰ تومان به ازای هر سهم (با سرمایه دو برابر) به بازار اعلام می‌کند. در چنین حالتی اگر سهم با P/E قبلی (۵) بازگشایی شود، قیمت آن ۲۵۰ تومان و حق تقدم آن نیز ۱۵۰ تومان قیمت می‌خورد، بنابراین کل دارایی سهامداری که در افزایش سرمایه شرکت نموده است از ۵۰۰ تومان به ۴۰۰ تومان به ازای هر سهم کاهش می‌یابد. این در حالی است که برای برقراری توازن بین دارایی‌های سهامدار قبل و بعد از افزایش سرمایه، این سهم باید در حقیقت به قیمت ۳۰۰ تومان بازگشایی شود. (P/E=۶)

در شرایط رکودی اغلب سناریوی اول تحقق می‌یابد، یعنی بازار پس از اجرای افزایش سرمایه دلیلی بر رشد فوری P/E نمی‌یابد و به همین جهت در صورتی که بازگشایی نماد با تعدیل مثبت EPS از سوی شرکت همراه نشود، معمولاً سهامداران در کوتاه مدت در فرآیند افزایش سرمایه متضرر می‌شوند. به همین جهت برخی سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند تا قبل از برگزاری مجمع فوق‌العاده، سهام خود را در بازار به فروش برسانند تا بعد از انجام مراحل افزایش سرمایه سهم را مجدداً خریداری کنند. اما در بازارهای رو به رشد (مانند شرایط فعلی) عکس این اتفاق روی می‌دهد؛ به این معنا که پس از اجرای افزایش سرمایه در اثر



غلبه خوش‌بینی سرمایه‌گذاران و امید به آینده معمولاً P/E به آسانی رشد می‌کند و همین مساله موجب انتفاع سهامداران می‌شود. علاوه بر موارد فوق، مساله زمان در اجرای افزایش سرمایه‌ها حائز اهمیت کلیدی است.

در شرایط فعلی، از زمان تصمیم‌گیری برای تامین منابع از طریق افزایش سرمایه (به ویژه از محل آورده نقدی و مطالبات سهامداران) تا زمان عملیاتی شدن آن، حدود ۸ تا ۹ ماه زمان مورد نیاز است. این در شرایطی است که عمده شرکت‌ها اعلامیه پذیره‌نویسی را با استفاده از روش سنتی ارسال نامه یا پست سفارشی به سهامداران اعلام می‌کنند که محدودیت‌هایی دارد، زیرا آدرس سهامداران به صورت کامل در دسترس امور سهام شرکت‌ها قرار ندارد و هزینه این اقدام برای شرکت‌های پرسهمدار قابل توجه است.

از سوی دیگر، وجوه حق تقدم‌های استفاده نشده سهامداران و سهام قابل معامله جدید هم تقریباً یک سال بعد از تاریخ افزایش سرمایه آزاد می‌شود که با در نظر گرفتن نرخ سود بانکی، کاهش ۲۰ درصدی ارزش سرمایه را به همراه خواهد داشت. به این ترتیب مشارکت در فرآیند طولانی افزایش سرمایه برای سهامداران کوتاه‌مدت و میان‌مدت مناسب نیست؛ ولی برای سهامداران بلند مدت به شرط آنکه طرح توجیهی مناسبی برای این اقدام وجود داشته باشد، رویداد مساعدی تلقی می‌شود. در این میان شرکت‌هایی که می‌توانند بلاواسطه و به سرعت منابع جدید را در چرخه فعالیت خود وارد کنند (نظیر شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، لیزینگ‌ها و...) از مزیت بیشتری برخوردارند. شرکت‌های تولیدی نیز باید بتوانند در یک دوره زمانی مشخص آثار ورود این منابع جدید را در صورت‌های مالی خود نشان دهند.

به عنوان یک معیار پیشنهادی می‌توان گفت شرکت‌های تولیدی باید بتوانند در اولین سال پس از اجرای افزایش سرمایه، معادل ورود منابع جدید (مبلغ افزایش سرمایه) بر درآمد حاصل از فروش شرکت بیفزایند و این شاخص می‌تواند به عنوان یک معیار حداقلی جهت ارزیابی کارآیی مدیریت در جهت استفاده از منابع جدید مد نظر قرار گیرد.

حد ضرر چیست؟

درواقع مبلغی است که من می‌پردازم که بگم اشتباه کردم پول مرا پس بدهید و سهم تان را بگیریید!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!! شما مروید یک ماشین می‌خرید به قیمت ۱۷ میلیون. ۳۰۰ تومن هم پشیمانی تعیین می‌کنید. برادرتان که واردتر است بادیدن ماشین می‌گوید ۲ میلیون گران خریدی ببر پس بده! شما اگر پس بدهید باید ۳۰۰ تومن از پولتان کم شود برای پشیمانی. آیا براتون می‌صرفه؟



شرکت مشاور سرمایه‌گذاری آرمان آتی

نهاد مالی دارای مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار

این عامیانه ترین برداشت بود. که گفتم اگر یک فرد معمولی ازتون پرسید این جوری جواب بدهید. درواقع حدضرر اینگونه که گفتم تعریف می شود.

شما اقدام به خرید سهمی می کنید. چون انتظار دارید که قیمت رشد کند. حال پس از دوروز رشد یا بلافاصله پس از خرید شما، سهم شما افت می کند و شما می فهمید که اشتباه کردید. از طرفی می ترسید سهم بیشتر افت کند. بنابراین با قبول چند درصد ضرر سهمتان را می فروشید و با این کارتان سرمایه خود را از خطر نجات می دهید.

اینکه حدضرر کجا باید باشد؟ چند درصد باید باشد؟ چگونه حدضرر را جابجا کنید؟ چگونه با رعایت حدضرر و خروج از سهم سود هم کنید؟ ... همه را همیشه اینجا گفت اما به این موارد دقت کنید.

۱- حدضرر تان نباید بیشتر از ۱۰ درصد باشد. یعنی طوری نباشد که ۱۰ درصد از مبلغ خریدتان را از دست بدهید و همچنین در یک معامله نباید حدضررتان بیشتر از ۲ درصد کل سرمایه تان باشد

مثلا اگر ۱۰۰ میلیون سرمایه دارید، از طرفی یک معامله ۵۰ میلیونی دارید انجام می دهید نباید حدضررتان بیش از ۴ درصد باشد چون ۴ درصد ۵۰ میلیون میشه ۲ میلیون که ۲ درصد کل سرمایه شماست.

۲- حدضرر را زیر یک حمایت مهم قرار دهید. مثلا سهمی حمایتش روی ۲۳۵ تومن بود اما من حدضرر را ۲۳۰ درنظر گرفتم. درواقع ۵ تومن به سهم اوانس میدی.

۳- اگر حمایت و مقاومت را یاد نگرفتید یا نمی توانید درست تعیین کنید نمودار سهم را نگاه کنید حدضرر را محدوده کف و یا سقف قبلی قرار دهید.

۴- اکثر اعداد رند را حدضرر بذارید با کمی اختلاف/مثلا اگر سهمی را می خرید ۳۲۰ حدضرر را ۲۹۵ بگیرید. برای وسپه که ۲۱۰ خرید شد حدضرر را ۲۰۰ یا ۱۹۵ گرفتیم و با رشد سهم بردیم به ناحیه درست ۲۱۰

۵- واژه "تریل کردن" به زبان ساده بگم بالابردن حدضرر را به روش درست و حرفه ای "تریل کردن" می گویند. مثلا سهمی را گرفتیم ۲۵۰ حدضرر ۲۳۰ سهم رفت تا ۳۳۰ حدضرر را بردیم تا ۳۰۰ سهم رفت تا ۴۰۰ حدضرر را بردیم تا ۳۷۰ والان که رسیده به ۹۰۰ حدضرر را ۷۸۰ گرفتیم. یعنی اگر واتی را با ناراحتی هم بفروشیم باز با سود خارج می شویم. این مثالی بود از تریل کردن.

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، پایین تر از پارک ساعی، ساختمان سپهر ساعی، واحد ۱۴۰۱

www.arman-ati.com

نمابر: ۸۸۷۰۴۹۹۸

تلفن: ۸۸۵۵۷۵۷۷-۹



حد ضرر برای فروش هم هست

مثلاً شما وتوشه داری. الان سهم ۲۷۰ تومن. شما هم سهم را دارید. میترسید بفروشید سهم بره بالا! من میگم: وتوشه را با حد ضرر ۳۰۰ بفروشید

یعنی اینکه شما وتوشه را ۲۷۰ میفروشید اگر سهم رفت تا بالای ۳۰۰ می فهمید که اشتباه کردید و با پرداخت ضرر سهم را میخرید. این حد ضرر فروش است.

حد ضرر عین پشیمانی در معامله است.

با هم اگر جلو برویم این مباحث را انقدر تکرار می کنیم و تو ضیح می دهیم تا کاملاً جابجفته.

وقتی قیمت سهم خریداری شده افت کرد چه کنیم؟

سرمایه گذاران تازه وارد به بازار سرمایه گاهاً به دلایل مختلف با مشکلاتی در انتخاب سهام مناسب مواجه می شوند و خرید های اشتباه، زیان آنها در سرمایه گذاری در بازار سرمایه را به صورت مقطعی در پی دارد. در یادداشت زیر به صورت اجمالی به مرور دلایل رایج آن می پردازیم و چند توصیه در این زمینه به این قشر سرمایه گذاران ارائه می کنیم:

زمانی که سهامی را می خریم تا وقتی با رشد قیمت و سود همراه است حاضر به فروش آن نیستیم اما وقتی در روند منفی وارد می شود برای فروش به تکاپو می افتیم تا سودمان را قبل از از دست رفتن، نقد کنیم.

بر اساس تجربه و معاشرت با این دست سرمایه گذاران در می یابیم که مهمترین عامل قرار گیری در این زیان ها عمدتاً موارد زیر هستند:

-تابعیت از جو عمومی بازار و معامله ی هیجانی و بدون استناد به تحلیل های واقع بینانه ی بنیادی و تکنیکال



-تصمیم‌گیری بر اساس اطلاعات غیر کارشناسی و توصیه‌های دوستان و آشنایان

-مبنا قراردادن شایعات و شنیده‌ها در معاملات

اما مطلب فوق به این معنی نیست که نباید به جو عمومی بازار و شنیده و شایعات و ... بی تفاوت بود بلکه باید همه‌ی این موارد را به عنوان سیگنالی برای توجه و بررسی نمادها در نظر گرفت و در کنار تحلیل‌های کارشناسی و دقیق ملاک تصمیم‌گیری قرار داد .

اما سهام شرکت‌ها در شرایط متفاوتی با افت مواجه می‌شوند که دلایل افت در اتخاذ تصمیم صحیح بسیار دارای اهمیت است. این موارد را به طور کلی در سه قالب می‌توان طبقه‌بندی نمود:

در صورتی که رخداد منفی تاثیر گذار در عملیات و فرایند تولید و فروش محصولات شرکت موجب نگرش منفی سرمایه‌گذاران به سهام شرکت ، نخریدن سهام آن و نتیجتاً افت قیمت آن شده است که در این صورت تجزیه و تحلیل تاثیرات رخداد بر وضعیت سود آوری شرکت در آینده بسیار حائز اهمیت است و اگر تاثیر منفی قابل توجه باشد معمولاً اگر فرد دیدگاه کوتاه یا میان مدتی به سرمایه‌گذاری خود داشته باشد، خروج از سهم حتی در شرایط زیان احتمالی و جایگزینی آن با گزینه‌های مناسب و کم ریسک تر، غالباً تصمیم بهتری خواهد بود.

اگر افت قیمتی سهم پس از رشد‌های مکرر و بدون پشتوانه قبلی آن بوده است در این صورت در واقع سهام شرکت وارد مرحله‌ی اصلاح قیمتی شده است تا به محدوده قیمتی کارشناسی خود نزدیک شود و مجدد جذابیت قیمتی آن برای خریداران افزایش یابد. در این صورت توجه به ارزش ذاتی و واقعی سهام شرکت‌ها با توجه به فضای حاکم بر بازار و سهام شرکت‌های مشابه در هر مقطع زمانی اهمیت دارد.

اما برخی مواقع به دلیل انتشار اخبار یا اظهار نظرهای داخلی و خارجی ، شرایط و فضای روانی حاکم بر بازار به دلایل غیر عملیاتی از وضعیت عادی خارج می‌شود و شاهد افزایش فشار فروش و افت قیمت سهام شرکت‌ها هستیم. در بسیار از این قبیل مواقع افت سهم‌ها به صورت هیجانی و به دور از انتظارات کارشناسان است و سهامداران در صورت اطمینان از عدم تاثیر جدی این رخدادها بر فضای کسب و کار شرکت‌ها در کوتاه و میان مدت حتی اگر قصد خروج داشته باشند این فرصت را خواهند داشت تا در آینده نزدیک پس از فروکش کردن هیجانات بازار سهام خود را در قیمت‌های مناسب تر به فروش برسانند. اما برای آن گروه از سرمایه‌گذاران که با ریسک‌پذیری بیشتر قصد حضور بلند مدت تر در بازار بورس را دارند از آنجایی که توصیه می‌شود سرمایه‌گذاران درصد مشخصی از سبدشان را به هر سهم و صنعت تخصیص دهند در صورتی که افت قیمت سهم به صورت هیجانی بوده ، در این مواقع اگر درصد در نظر گرفته شده برای سهام افت کرده در سبد اجازه دهد ، سرمایه‌گذار می‌تواند



با خرید سهم در قیمت های پایین و نزدیک به کف قیمتی (با استناد به تحلیل های بنیادی و تکنیکال) میانگین بهای تمام شده ی خود را کاهش دهد.

اما چند سوال رایج سرمایه گذاران تازه وارد:

- اگر در معامله ای، طی مدت زمان کوتاهی در زیان شدید قرار گرفتیم چه باید کرد؟

- اگر سهام در صف فروش باشد و نتوانیم به سرعت سهام را بفروشیم و به شرایطی برسیم که سهم به قیمت خرید یا کمتر از آن برسد برای فروش معمولاً دچار تردید می شویم. منتظریم تا شاید دوباره قیمت سهم رشد کند. به دنبال خبرهای خوب هستیم و هر روز به امید اینکه فردا روز بهتری است شاهد ضرر بیشتری خواهیم بود. در این شرایط بهترین راهکار چیست؟

به طور کلی سرمایه گذاران برای ورود و خروج خود به سهام شرکت ها چه استراتژی را بهتر است طراحی کند و به چه نکاتی باید توجه داشته باشند؟

در پاسخ به این سوالات باید گفت برخی اوقات سرمایه گذاران به دلایل مختلف سرمایه گذاری های اشتباهی انجام می دهند و مدت های طولانی به انتظار برگشت قیمت آن می نشینند در حالی که تجربه نشان داده است در بازار های با روند متعادل و عادی (نه بازار پر رونق) جایگزینی سریعتر سهام این دست شرکت با گزینه های پیشرو و دارای پتانسیل رشد، سریع تر می تواند به پوشش زیان سرمایه گذار و جبران آن توسط سهام جدید منجر شود. در بسیاری از موارد اگر فرد علاقه و تمایل خاصی به سهم مورد نظر (که با خرید آن در زیان قرار گرفته) داشته باشد می تواند در مقطع دیگری و گاهی در قیمت های پایین تر و یا با اختلاف جزئی از قیمت فروش و جایگزینی آن با سهام پیشرو و دارای پتانسیل بیشتر در آینده، مجدد سهام فروخته شده را به سبد خود بیافزاید. در حالی که با خرید سهام پیشرو زیان آن را کاسته و یا حتی با شناسی سود از آنها، فرصت خرید تعداد بیشتر سهم مورد نظر را در آینده برای خود فراهم ساخته است.

توصیه می شود بعد از افت ها و یا رشد های شدید قیمتی حتماً به دنبال ریشه ی نوسان قیمت باشند. اگر دلایل موجهی برای ریزش وجود داشت و بر اساس اطلاعات و تحلیل های منطقی، حاضر به خرید مجدد سهم در قیمت های افت کرده بودند، سهم را نگهداری نمایند ولی اگر با دلایل بنیادی و تکنیکال منطقی، سهم را برای خرید مجدد در قیمت های پایین جذاب نمی دانند و یا گزینه های مطمئن تر از آنها در بازار وجود دارد بهتر از جایگزینی آن را در دستور کار قرار دهند. به طور خلاصه رویه ی پیشنهادی برای انتخاب سهم را در سرفصل های زیر می تواند جمع بندی نمود:



* بررسی وضعیت صنعت و انتخاب صنایع پیشرو (تحلیل بنیادی)

* بررسی وضعیت شرکت های این صنایع و انتخاب شرکت های خوب گروه (تحلیل بنیادی)

* تشکیل پرتفوی از شرکت های منتخب در صنایع پیشرو و متنوع و زیر نظر گرفتن تحركات قیمتی آنها و رفتار سهامدارن عمده در نمادهای مورد نظر (تنظیم واچینگ لیست - لیست زیر ذره بین)

* بررسی پیشینه ی قیمت سهام شرکت و شناسایی نقاط با اهمیت آن که غالبا سهم در آن با افزایش عرضه و تقاضا مواجه می شود (تحلیل تکنیکال)

* اتخاذ استراتژی معامله روی سهم های منتخب بر اساس اطلاعات بنیادی و تکنیکال - به این معنا که با توجه به ارزشمندی و فاصله ی آنها از قیمت هدف و با توجه به نقاط حساس قیمتی سهام شرکت های منتخب، درصد هر سهم در سبد ، زمان و حجم ورود و خروج به آن در قیمت های مختلف و سیاست معاملاتی رو نماد ها را تعیین نماییم. به عنوان نمونه با نزدیک شدن سهم به قیمت هدف می توان درصد سهم مورد نظر را در سبد کاهش داد و یا به دلیل دریافت اطلاعات جدید همچنان به نگهداری آن در سبد اقدام کرد.

* در نهایت کنترل دائم تحولات و اخبار تاثیر گذار بر شرایط کلی بازار و صنایع منتخب دریافت نظرات کارشناسان مختلف در مورد آن ها برای بازنگری احتمالی در استراتژی تعیین شده

* مطالعه ، آموزش و شناخت اصول حرفه ای بنیادی ، تکنیکال و روان شناسی رفتاری فعالان بازار سرمایه و ارتقای دانش معامله گری و شناخت رفتار بازار